

## عنوان مقاله:

تعامل ریشه های اجتماعی-تاریخی نارضایتی و انقلاب اسلامی در ایران

## محل انتشار:

کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

## نویسنده:

محسن عبدالهی - عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان خرم آباد

## خلاصه مقاله:

انقلاب در نارضایتی عمیق و گسترده ریشه دارد و نارضایتی معلول مجموعه ای از علل و عوامل درونی و بیرونی است. دسته ای از انقلاب بر اساس رهیافت جامعه شناختی و دسته ای دیگر مبتنی بر رهیافت تاریخی تبیین می شوند. دسته ی اول، که علل و عوامل کوتاه مدت یا اجتماعی می باشند، هنگام بروز انقلاب تکوین می یابند. اما دسته ی، که علل و عوامل دراز مدت یا تاریخی هستند، در گرو پژوهش در تحولات تاریخ معاصر می باشند. انقلاب اسلامی، در نارضایتی های گسترده ی تاریخ معاصر ریشه دارد و در این زمره، استبداد و استعمار دو عامل موثر می باشند. از مشخصه های استبداد، حکومت غیردموکراتیک، نبود جامعه ی مدنی، نا امنی یا عدم احساس امنیت و سرکوب باورهای دینی توسط حکام می باشد. در این وضعیت، استعمار، که تبعاتی مانند برقراری رابطه ی دیپلماتیک سلطه آمیز، مبادله ی ناعادلانه در کسب امتیازات و تصمیم گیری منهای مشارکت و فقدان حق اظهار نظر برای مردم و نخبگان دارد، ایجاد می شود. انقلاب هنگامی به وقوع می پیوندد که بسیاری از مردم، در بسیاری از مواقع، از بسیاری چیزها، بسیار ناراضی باشند.

## کلمات کلیدی:

نارضایتی، حکومت قاجاریه، استبداد، استعمار، انقلاب اسلامی ایران

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/823293>

